



آکادمی آنلاین تیزلاین قوی ترین پلتفرم آموزشی تیز هوشان

برگزار کننده کلاس های آنلاین و حضوری تیز هوشان ✓

و المپیاد از پایه چهارم تا دوازدهم

آزمون های آنلاین و حضوری ✓

مشاوره تخصصی ✓

با اسکن QR کد روبرو
وارد صفحه اینستاگرام
آکادمی تیزلاین شو و از
محتوای آموزشی
رایگان لذت ببر



برای ورود به صفحه اصلی سایت آکادمی تیزلاین کلیک کنید

برای دانلود دفترچه آزمون های مختلف برای هر پایه کلیک کنید

برای مطالعه مقالات بروز آکادمی تیزلاین کلیک کنید

ردیف	قلمرو زبانی ۸ نمره (معنی لغت ۱ / املا ۲ / دستور ۴)	بازم
۱-	معنی واژگان مشخص شده را بنویسید. الف) از لحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من به منزله شیر «آغوز» بود برای طفل. () ب) لطفاً در همین مجلس، بالبداهه از امیر معزی تقلید کرده () ج) تا ابلیس پرتلیس یک باری گرد او طواف می‌کرد () د) به نام چاشنی بخش زبان‌ها ()	۱
۲-	در عبارت‌های زیر سه غلط املایی وجود دارد؟ درست آنها را بنویسید. () () () الف) ملانکه مَقْرَب، هیچ‌کس آدم را نمی‌شناختند. ب) آن‌قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بیانگارد. د) گفت: «زندگانی خواجه عمید دراز باد؛ علی‌ای حال، من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموخته‌ام. هـ) رقابت شاهزادگان در تقدیم هدایا و تلاششان جلوهایی از این بساط نوروزی بود. مراسم آن سال تنها لغایی از تشریفات به رو داشت. ^۲	۱/۷۵
۳-	از واژگان داخل پراکنش املایی صحیح را انتخاب کنید. الف) سپیده فردای گنجه با (نحیب/ نهیب) و صغیر گلوله‌های توپ روس، باز شد. ب) جانب دوستی را نگاه داشته، از کمک به یکدیگر (فروگذاری/ فروگزاری) ننمایم. ج) بانگ و هَراهر و غریو (خواست/ خواست). امیر برخاست. د) زاغی از آنجا که (فراغی/ فراقی) گزید. هـ) یکی بزرگ‌تر، از جهت نشست او و جامه‌ها افکندند و (شرانی/ شرایی) بر وی کشیدند. ^۳	۱/۲۵
۴-	با توجه به متن زیر، درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید. خواجه عبدالکریم، [که] خادم خاص شیخ ما، ابوسعید بود، گفت: «روزی درویشی مرا بنشانده بود تا از حکایت‌های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتم.» کسی بیامد که «شیخ، تو را می‌خواند»؛ برقتم. شیخ پرسید که چه کار می‌کردی؟ گفتم: «درویشی حکایتی چند خواست، از آن شیخ، می‌نوشتم.» الف) در عبارت بالا فقط یک نقش تبعی وجود دارد. (درست/ نادرست) ب) فعل جمله پنجم مضارع التزامی است. (درست/ نادرست) ج) ترکیب‌های مشخص شده همگی وصفی هستند. (درست/ نادرست) ^۴	۱/۷۵
۵-	نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) آفتاب گفتمی جشن جوانی ما را تبریک می‌گفت. () ب) فرزند دوم خود، عباس میرزا را، راهی تبریز کرده بود. () ج) که گر فرزند باید، باید این‌سان! () د) آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد سندن () ^۵	۱
۶-	عبارت‌های زیر هر کدام چند نقش تبعی دارند؟ () نوع آن‌ها را مشخص کنید. پیشگامی حاکم شهر، جوادخان، در دفاع و پیش‌مرگی فرزندان و برادرانش، شوری در جان‌ها می‌نهاد. ^۶	۱
۷-	جمله مجهول مشخص شده را به جمله‌ای معلوم تبدیل کنید. گفت: «چون نامه‌ها گسیل کرده شود، تو باز آئی که پیغامی ست سوی بونصر در بابی تا داده آید.» ^۷	۱/۵



۱۷۵	۸-	با توجه به عبارت زیر، به پرسشها پاسخ دهید. در این کار از مشاوره با معلم هم آسایشگاهی ام، «عباس درمان» و شخصیت دانشمند و فرزانه، حاج آقا «کرامت شیرازی»، بهره بردم و آن‌ها دریغ نکردند. ظرف چند ماه به اندازه یک سال تحصیلی با آن‌ها کار کردم. پیشرفت خوبی داشتند. الف) در متن بالا، چند شاخص وجود دارد؟ (.....) ب) جمله اول، چند ترکیب وصفی دارد؟ (.....) ج) جمله اول سه جزئی گذرا به متمم است. (درست/ نادرست) ^۸				
		قلمرو ادبی ۵ نمره (تاریخ ادبیات ۱، آرایه ۳، حفظ شعر ۱)				
۵	۹-	آرایه های خواسته شد از بیت « در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم/ با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن » را بنویسید. مجاز: تشبیه: ^۹				
۱	۱۰-	برای هر عبارت ستون الف، آرایه مناسبی در ستون ب انتخاب کنید. (یک مورد اضافی است / آرایه مشترکی انتخاب نشود)				
		<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>(۱) برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم، هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند. (۲) لبخندی زد؛ پنداشتی با زبان بی‌زبانی می‌خواهد به ما عرض تبریک و تهنیت کند. (۳) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست. (۴) بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند.</td> <td>تلمیح جناس پارادوکس حس آمیزی استعاره^{۱۰}</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	(۱) برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم، هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند. (۲) لبخندی زد؛ پنداشتی با زبان بی‌زبانی می‌خواهد به ما عرض تبریک و تهنیت کند. (۳) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست. (۴) بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند.	تلمیح جناس پارادوکس حس آمیزی استعاره ^{۱۰}
الف	ب					
(۱) برای من قصه‌های شیرینی می‌گفت که او و مادرم، هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند. (۲) لبخندی زد؛ پنداشتی با زبان بی‌زبانی می‌خواهد به ما عرض تبریک و تهنیت کند. (۳) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست. (۴) بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند.	تلمیح جناس پارادوکس حس آمیزی استعاره ^{۱۰}					
۱	۱۱-	ابیات زیر را از نظر کاربرد تشبیه و کنایه بررسی کنید. (از هر کدام یک مورد کافی است) ز رخسارش فرومی‌ریخت اشکی/ بنای زندگی بر آب می‌دید تشبیه: در آن سیماب گون امواج لرزان/ خیال تازه‌ای در خواب می‌دید کنایه:				
۵	۱۲-	در بیت زیر، دو مجاز وجود دارد، مفهوم مجازی آن‌ها را بنویسید؟ ای آفتاب حُسن برون آدمی ز ابر/ کان چهره مُشعشع تابانم آرزوست ^{۱۱} (واژه مجاز از (واژه مجاز از (
۲۵	۱۳-	در کدام بیت، مصراع‌ها جایجا نوشته شده‌اند؟ الف) کرد فرامش ره و رفتار خویش / ماند غرامت زده از کار خویش ب) رهروی کبک نیاموخته / عاقبت از خامی خود سوخته ^{۱۲}				
۲۵	۱۴-	بیت روبرو با کدام گزینه کامل می‌شود. «..... / شیر خدا و رستم دستانم آرزوست» الف) زین هم‌رهان سست عناصرِ دلم گرفت ب) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست ^{۱۳}				
۵	۱۵-	بیت‌های زیر را کامل کنید. الف) باز کشید از روش خویش پای/..... ب) / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست ^{۱۴}				
۵	۱۶-	درست یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید. الف) صلاح‌الدین از مولانا درخواست نمود کتابی به طرز «الهی‌نامه» سنایی یا «منطق‌الطیر» عطار به نظم آرد. (درست/ نادرست) ب) کتاب «عباس میرزا، آغازگری تنها» نوشته مجید واعظی است. (درست/ نادرست) ^{۱۵}				
۵	۱۷-	نام نویسندگان کتابهای روبرو را بنویسید. الف) روزها: (ب) مرصاد العباد: ^{۱۶}				
		قلمرو فکری ۸ نمره (معنی ۴، درک مطلب ۴)				
۵	۱۸-	در عبارت‌های زیر، مقصود از قسمت‌های مشخص شده چیست؟ الف) هر لحظه، از خزاین غیب، گوهری، در نهاد او تعبیه می‌کردند. ()				



	(ب) از حکمت ربوبیت به سیر ملانکه فرو می‌گفت. ^{۱۸} ()
۱۹-	مفهوم کنایی عبارت‌های مشخص شده زیر را بنویسید. الف) دور روزگار، بر سر ما چرخ‌ها خواهد زد و تغییرات بی‌شمار خواهد نمود؛..... ب) شمس، ناگزیر دل از قونیه بربکند و عزم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا باز نیاید..... ج) باز کشید از روش خویش پای/ در پی او کرد به تقلید جای..... د) به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی/ پس از خلیفه بخواید گذشت در بغداد ^{۱۹}
۲۰-	در بیت‌های زیر، کدام ویژگی مجنون بارز است؟ گویند ز عشق کن جدایی/ این نیست طریق آشنایی پرورده عشق شد سرشتم/ جز عشق مباد سرنوشتم ^{۲۰}
۲۱-	با توجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. و این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد. الف) مقصود از «این مرد» چه کسی است؟ ب) «دبیر کافی» به چه معناست؟ ^{۲۱}
۲۲-	با توجه به بیت‌های زیر، تحلیلی از سیر فکری پدر مجنون ارائه دهید. الف) عشق‌بازی، کار بیکاران بود/ عاقلش با کار بیکاران چه کار؟ ب) از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق/ روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند ^{۲۲}
۲۳-	دلیل «پرهیز از تنعم و عدم پذیرش صله»، در کدام عبارت متفاوت است؟ ۱) چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این چه به کار آید؟ ۲) به زندگی درویشانه قناعت کرده بود، نه از بخل، بلکه از آن جهت که به بیشتر از آن احتیاج نداشت. ۳) آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم. ۴) بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم و در عهده این نشوم. ^{۲۳}
۲۴-	معنی عبارت و ابیات زیر را به فارسی روان بنویسید. الف) آن روز گل بودم، می‌گریختم، امروز همه دل شدم، درمی‌آویزم. (۱) ب) هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت. (۱) ج) به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم/ بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا (۱) د) دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد (۱/۵)..... ه) چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست ^{۲۴} (۱/۵).....



- ۱ - الف) آغوز: شیر غلیظ گاو یا گوسفند که پس از زایمان تا سه روز دوشیده شود، اولین شیر پس از زایمان* (ب) بالبداهه: ارتجاعاً، بدیهه‌گویی* (ج) تلبیس: دروغ و نیرنگ‌سازی* (د) چاشنی: مزه و طعم
- ۲ - الف) ملایکه* (ب) بینگارد* (د) جلوه‌هایی
- ۳ - الف) نهیب* (ب) فروگذاری* (ج) خاست* (د) فراغی* (ه) شراعی
- ۴ - الف) درست/ (ب) نادرست/ (ج) نادرست
- ۵ - الف) گفتی: قید* (ب) شاخص* (ج) فرزند: نهاد* (د) مضاف الیه
- ۶ - سه نقش تبعی دارد* جوادخان: بدل/ پیش مرگی، برادران: معطوف
- ۷ - چون تو نامه‌ها را گسیل کنی* (گسیل کرده شود: فعل مجهول، مضارع التزامی) مهم در تبدیل فعل، رعایت زمان فعل است.
- ۸ - الف) ۲ شاخص: حاج آقا* (ب) ۴ ترکیب وصفی، این کار: شخصیت فرزانه، شخصیت دانشمند. کرامت شیرازی* (ج) درست
- ۹ - دست: مجاز از انگشتان // اضافه تشبیهی: کوی عشق، تشبیه عشق به کوی
- ۱۰ - (۱) حسامیزی* (۲) پارادکس* (۳) تلمیح* (۴) استعاره
- ۱۱ - بنای زندگی: اضافه تشبیهی، زندگی به بنا // بنای زندگی بر آب می‌دید: کنایه از ناپایداری دیدن زندگی و پادشاهی // تشبیه: شاعر امواج لرزان را به سیماب (جیوه) مانند کرده است. در اینجا هم سفیدی و هم بی‌قراری امواج موردنظر بوده است // بنای چیزی بر آب دیدن: کنایه از آن چیز را ناپایدار و فانی دیدن // خیال تازه‌ای در خواب می‌دید: کنایه از فکر تازه‌ای به ذهنش رسید.
- ۱۲ - (واژه آفتاب مجاز از خورشید) (واژه دم مجاز از لحظه)
- ۱۳ - جواب ب
- ۱۴ - جواب الف
- ۱۵ - الف) در پی او کرد به تقلید جای* (ب) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
- ۱۶ - الف) نادرست: درخواست کننده حسام‌الدین چلبی بود* (ب) درست
- ۱۷ - الف) محمّدعلی اسلامی ندوشن* (ب) نجم‌الدین رازی
- ۱۸ - الف) گوهر: محبت و عشق و معرفت* (ب) سر: باطن، ضمیر
- ۱۹ - الف) «چرخ زدن دور روزگار» کنایه از پیش آمدن اتفاقات گوناگون/ (ب) دل برکنند: کنایه از منصرف شد، چشم پوشید، ترک علاقه و دلبستگی کرد* (ج) پای کشیدن از کاری: کنایه از کار و روش خود را ترک و رها کردن* (د) مصراع دوم کنایه از ادامه داشتن زندگی
- ۲۰ - پایداری و وفاداری در عشق
- ۲۱ - الف) منظور بونصر مشکان، است* (ب) نویسندهٔ کاردان و باکفایت، لایق، کارآمد
- ۲۲ - پدر مجنون «عشق» را یک کار بیهوده و باطل می‌داند و هیچ اعتقادی به عاشقی ندارد. او معتقد است عشق «بلا و بیماری» است که انسان‌ها را گرفتار خود کرده و باید برای رهایی از این گرفتاری از خدا کمک خواست؛ البته کسی که عاشق نیست، عشق و عاشقی را نخواهد فهمید، همچنان که پدر، حال و روز مجنون را نمی‌فهمید. کسی که غرق در عشق باشد، دیگر آسایش برای او معنایی ندارد؛ اما پدر که اعتقادی به عشق نداشت آسایش را در دوری از عشق می‌دید.
- ۲۳ - جواب گزینه ۱/۴ در گزینه (۴) علت نپذیرفتن صله تردید در حلال بودن آن است، ولی در سایر گزینه‌ها دلیل آن پرهیز از تنعم (گزینه ۲) و قناعت گزینه‌های (۱) و (۲) است. تنعم: به ناز و نعمت زندگی کردن)
- ۲۴ - الف) آن روز وجودی مادی بودم، از معشوق فرار می‌کردم و امروز، تماماً دل (احساس و عاطفه و شور و عشق) شدم، به معشوق آویزان می‌شوم. (پناه می‌برم و متوسل می‌شوم).
- (ب) مردم عمیقاً مؤمن و بالایمان بودن که به اعصاب و روحیهٔ آنان قدرت می‌بخشید؛ و هر پیشامد خوب و بدی را به‌عنوان خواست و تقدیر خداوند می‌پذیرفتند.
- (ج) معنی: اگر به سبب آزمندی، آب گوارایی نوشیدم، مرا بازخواست نکن که کار بدی کردم؛ زیرا من مانند آدم بسیار تشنه‌ای هستم در فصل تابستان در بیابانی که آب سرد در مقابلش باشد ناچار از آن می‌خورم. (به‌ناچار این خطا را کردم).
- (د) غیر از مردن که چاره‌ای برای آن نیست، درد دیگری نیز هست که درمان ندارد و آن درد عاشقی است
- (ه) مانند چنگ بسیار نحیف و لاغر شد.

